

بررسی جامعه‌شناختی رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دختر دوره ی متوسطه شهر بهشهر در

سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱*

علی رحمانی فیروزجاه^۱

علی اصغر عباسی اسفجیر^۲

ربابه موسوی‌زاده^۳

چکیده

جرم یا انحراف چراغ خطری است که نشان از نقایص یا کمبودهای جامعه دارد و معمولاً دارای علل و عوامل مختلف است. تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال اصلی است: نوع رفتارهای انحرافی چیست؟ علل و عوامل به وجود آورنده ی رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان کدام است؟ هدف کلی این پژوهش تعیین عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان می‌باشد. هدف فرعی تعیین نوع، شدت و عمق رفتارهای انحرافی می باشد. برای تحقق اهداف، فرضیه‌ها از تلفیق سه دیدگاه نظری کنترل اجتماعی هیرشی، یادگیری اجتماعی ساترلند و برچسب استنتاج شده است. روش تحقیق پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری تعداد ۳۰۰۰ دانش‌آموز دختر دوره متوسطه شهر بهشهر بوده که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر انتخاب شده است. روش نمونه‌گیری جهت دسترسی مرتبط به نمونه‌های آماری در این پژوهش شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی اسپیرمن، رگرسیون خطی چند متغیره و تحلیل مسیر) استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین پذیرش انحراف (برچسب)، اعتقادات دینی، ارتباط با افراد منحرف، تعلقات اجتماعی، مشارکت و پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین به عنوان متغیرهای مستقل و رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان به عنوان متغیر وابسته رابطه معنی‌داری وجود دارد. رفتارهای انحرافی نزدیکان (همنشیان) فرد، پذیرش انحراف (برچسب) به ترتیب بیشترین تأثیر را در بین متغیرهای مستقل بر رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان داشته‌اند. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که میزان رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دختر شهر بهشهر در حد کم است. در مجموع می‌توان گفت که وجود همین میزان رفتار انحرافی (با این توضیح که به نظر می‌رسد مقادیر واقعی رفتارهای انحرافی بیشتر از این باشد) می‌تواند مهم و حساس باشد.

کلید واژه: رفتارهای انحرافی، تعلقات اجتماعی، برچسب، مشارکت، اعتقادات دینی، همنشیان.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۵

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران moosavi.robab@yahoo.com

۱- مقدمه

کجروی و تخطی از هنجارها همواره در طول تاریخ بشر وجود داشته است، شکستن نظم اجتماعی و انحراف از هنجارها در جوامع کوچک و ابتدائی به ندرت اتفاق می افتد و اقوام و قبائل بر حسب سنت ها و عرف جامعه از هنجارهای اجتماعی تبعیت می کردند. اما در جوامع امروز با توجه به تحرک اجتماعی و جغرافیایی شدید، انسجام فرهنگی، کم است و توافق اخلاقی به ندرت مشاهده می شود. رفتارهای انحرافی به مثابه یکی از آسیب های اجتماعی است که برخلاف هنجارهای اجتماعی از فرد سر زده و کارکرد وی را مختل کرده و به تبع آن خانواده و جامعه را تحت شعاع قرار می دهد. (ساروخانی، ۱۳۷۰) این گونه رفتارها، به تمامی اعمال و نگرش هایی گفته می شود که با انتظارات فرد، گروه ها و نهادها ناسازگار است (شفرز، ۱۳۸۳: ۲۲۴) و در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام جامعه قرار نمی گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می شود (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۵) علاوه بر این، این رفتارها، غیر عادی، آزار دهنده، غیر اخلاقی مضر و سزاوار سرزنش در نظر گرفته می شوند. انحراف اجتماعی و بزهکاری در بین جوانان به عنوان مشکل اجتماعی، می تواند موجب نا امنی و بی نظمی گردد. گسترش انحرافات در جامعه و تعمیق آن در بین گروه های مختلف جوانان و نوجوانان تبدیل به ارزش های فرعی در جامعه شده و به تدریج ارزش ها و هنجارهای حاکم بر جامعه را سست خواهد ساخت. (پیکا، ۱۳۷۰).

شیوع روزافزون رفتارهای انحرافی برابر است با هدررفتن پتانسیل های خلاق و سازنده ی جامعه و عوارض بسیار ناخوشایندی به همراه دارد که جبران آن هزینه های فراوانی را می طلبد. هدف اصلی پژوهش تعیین عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای انحرافی دانش آموزان دختر می باشد و اهداف فرعی تعیین نوع رفتارهای انحرافی دانش آموزان دختر و سنجش میزان، شدت و عمق هریک از عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای انحرافی دانش آموزان دختر است.

۲- بیان مسأله

مسأله مربوط به آسیب های اجتماعی از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه ی نیازمندی ها، محرومیت های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواست ها و نیازهای زندگی، موجب گسترش شدید و دامنه دار فساد، عصبان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی، انحراف اجتماعی و دیگر آسیب ها شده است. مشکلات در جامعه ایران در سطوح اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی طبقه بندی شده است. مجموع این مشکلات مربوط به فرد، خانواده و کل جامعه است. عمده ترین مصادیق مشکل اجتماعی مسائل مربوط به مفاسد و آسیب های اجتماعی

جوانان می‌باشد، رویکردی که در بحث مربوط به مسائل اجتماعی وجود دارد تا حدود بسیار زیادی حکایت از واقعیت‌های جاری جامعه دارد زیرا جامعه‌ی ایران دارای جمعیت جوان می‌باشد. (آزاد ارمکی، ۱۳۷۷: ۶۴).

شیوع رفتار انحرافی در میان نوجوانان و جوانان- سازندگان اجتماع فردا، از حادترین مسائل اجتماعی جوامع مختلف است که ریشه دار شدن آن موجب بیم و نگرانی‌های زیادی است. نظریه پردازان جامعه‌شناسی انحرافات، انحراف اجتماعی را به عنوان شیوه رفتاری که برخلاف وفاق جامعه است، در نظر گرفته و آن را به عدم هم‌نوایی با یک هنجار یا مجموعه‌ای از هنجارهایی که مورد قبول بیشتر اعضای یک جامعه واقع شده است، تعریف نموده و اصطلاح بزهکاری را هنگامی به کار می‌برند که عاملین چنین شیوه رفتاری افراد زیر سن قانونی باشد (احمدی و ایمان، ۱۳۸۴).

نظریه پردازان در سال‌های اخیر با تکیه بر ملاک سن و تأکید بر تعریفی که قانون رسمی از انحرافات ارائه می‌دهد، رفتار انحرافی را به دو دسته بزهکاری و جرم، به این صورت تقسیم کرده اند که اگر رفتار انحرافی توسط جوانان و نوجوانان صورت گرفته باشد، بزهکاری، اگر توسط بزرگسالان انجام شود، جرم تلقی می‌گردد (SHOEMAKER, 1990:30-32).

بزهکاری^۱ به تمامی اعمالی گفته می‌شود که برخلاف هنجارها و نرم‌های اجتماعی از افراد سر می‌زند (ساروخانی، ۱۳۷۰)، وجه مشترک تمام جوامع انسانی است و صرف‌نظر از موضوع، اختلاف ماهیت، این اعمال تقریباً همیشه توسط قانون تعریف و پیش‌بینی (مشکانی و رضوی، ۱۳۸۴) و برحسب عمق و شدت عمل انحرافی، به دسته‌های کوچک‌تری مانند: بزهکاری شدید (حملات شدید، سرقت، استفاده از سلاح گرم در سرقت‌ها و...) و بزهکاری ملایم (تخریب کیوسک تلفن، شکستن لامپ، پاره کردن صندلی و...) تقسیم می‌شوند (Agnew, 1991:59).

در پژوهش حاضر منظور از رفتار انحرافی، انحراف از نوع ملایم است و موارد زیر به عنوان رفتار انحرافی شناخته می‌شود. فحاشی، کشیدن سیگار و قلیان، سر به سر پسرها گذاشتن، ارتباط با جنس مخالف، گفتن دروغ، دیدن فیلم‌های غیرمجاز، خیانت، ارتباط نامشروع، دزدی، نداشتن احساس مسئولیت درمقابل دیگران، انتقام‌گیری غیرمستقیم، خودارضایی، خودکشی، مشغول بودن به کارهای حاشیه‌ای (مد لباس، آرایش صورت و...)، عمل‌های زیبایی (غیرضروری)، عدم رعایت حقوق دیگران، آرایش کردن (غیرمتعارف)، ایجاد مزاحمت برای دیگران، رعایت نکردن قوانین مدرسه، مشاجره و دعوا با دیگران، آوردن تلفن همراه (موبایل) به مدرسه، گوش نکردن به حرف‌های مدیر، معاون و معلم، احساس تنفر از کنترل والدین، پوشیدن لباس‌های خلاف مقررات مدرسه، دیرآمدن به مدرسه، احساس تنفر از کنترل مدیر،

معاون و معلم، عدم احترام به بزرگترها، استفاده از وسایلی که از نظر مدرسه مجاز نیست (انگشتر، گردنبند و ...) توهین به مدیر، معاون و معلم، ریختن آشغال در مدرسه، عصبانی شدن، غیبت دیگران، گوش نکردن به حرف های پدر و مادر، تغلب در امتحان، پوشیدن لباس هایی که از نظر والدین مناسب نیست، دیر رفتن به خانه، خراب کردن وسایل مدرسه و نداشتن انگیزه برای تحصیل، به طوری که موجب ناراحتی خانواده و مدرسه شده باشد.

با توجه به موارد فوق، رفتار بزهکارانه را می‌توان آن دسته از رفتارهای انحرافی برشمرد که توسط جوانان کمتر از ۱۸ سال صورت می‌گیرد، اما شدت آن رفتار در حدی نیست که مستوجب مجازات های قانونی و اجتماعی شود و می‌تواند از دید جامعه و فرهنگ حاکم، مورد چشم پوشی قرار گیرد. امروزه رفتارهای انحرافی در کشور در حال تبدیل به مسأله‌ای بغرنج می‌باشد که روز به روز اثرات نامطلوبی را در حیات فردی و خانوادگی افراد برجای گذاشته و موجب نابسامانی اجتماعی فراوانی نیز خواهد شد رفتارهای انحرافی موجب اختلال در نظم اجتماعی و اختلال در چارچوب هنجاری جامعه می‌شود و مسایل و بحران های اجتماعی را به دنبال دارد.

بنابراین بی‌توجهی به کنترل رفتارهای انحرافی می‌تواند زیان های گسترده ی فرهنگی و اجتماعی را به همراه داشته باشد که از جمله آنها اختلال در کارکرد نهاد خانواده، مدرسه و جامعه است. با وجود اهمیت این مسأله و مشکلات فراوانی که در دامن خود می‌پروراند، لازم است پیگیری جدی در این زمینه صورت پذیرد.

مقاله حاضر سعی می‌کند تا عوامل مرتبط با گرایش به رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر بهشهر را از نظر جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار دهد. ضمن بررسی علل و عوامل رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان، راهکارهایی در زمینه توانمندسازی دانش‌آموزان در برابر رفتارهای انحرافی ارائه خواهد شد.

در واقع سؤال اساسی و مسأله این پژوهش این است که نوع رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر بهشهر چیست؟ علل و عوامل به وجود آورنده‌ی رفتارهای انحرافی کدام است؟

۳. پیشینه تحقیق

رحمانی فیروزجاه (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان عوامل مؤثر بر نابهنجاری جوانان: مطالعه موردی مناطق حاشیه شهری ساری و بابل، از نظریه های بی‌زمانی، فشار، کنترل و هم‌نشینی افتراقی به بررسی عوامل مؤثر بر نابهنجاری جوانان پرداخته است روش این تحقیق به شیوه پیمایش اجتماعی است که

نمونه‌ای به حجم ۲۲۰ نفر از جوانان ساکن در مناطق حاشیه‌ای صورت گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که نابهنجاری جوانان در مناطق حاشیه‌ای در حد متوسط بوده و هم چنین عواملی چون پایگاه اقتصادی اجتماعی، نزدیکی، دینداری، مشکلات خانوادگی و ضعف کنترل اجتماعی بر نابهنجاری جوانان مؤثر است.

عباسی اسفجیر و مهدوی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان شبکه روابط درون‌خانوادگی، مدرسه، دوستان و روابط دوستی در رفتارهای انحرافی نوجوانان دختر شهر ساری بیان می‌کنند که تئوری کنترل اجتماعی هیرشی در برگرنده چهار قسمت است: دلبستگی، تعهد، مشغولیت و عقیده. دلبستگی رابطه درونی شده توسط فرد است و تعهد تاثیر فعالیت‌های اجتماعی در زندگی فردی است. مشغولیت میزان زمان واقعی صرف‌شده برای فعالیت‌های اجتماعیست، عقیده اصول اخلاقی است که فرد احساس می‌کند باید دنبال کند بر طبق نتایج این تحقیق تئوری کنترل اجتماعی هیرشی هنوز در پیش بینی وضعیت جرائم دارای اهمیت است. در این بررسی با استفاده از تئوری هیرشی و روش پیمایش ۳۶۳ نوجوان دختر در شهر ساری مورد مطالعه قرار گرفتند.

وابستگی به والدین و معلمان، وفاداری به دوستان، مشورت خانواده، تعهد نسبت به مدرسه، عقاید و مشغولیت در مدرسه متغیرهای مستقل را تشکیل می‌دادند. سن، جنس و وضعیت مالی متغیرهای کنترل بودند. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که بزهکاری گروه‌های همالان، فراوانی تماشای رسانه‌های جمعی، بزهکاری والدین، ارزیابی منفی از والدین و معلمان بیشترین میزان واریانس بزهکاری جوانان را تبیین می‌کند.

زارع شاه آبادی و ابراهیم‌آبادی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان « بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بحران هویت فرهنگی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی تبریز» به بررسی برخی از عوامل مرتبط با بحران هویت فرهنگی در بین دانش‌آموزان پرداختند. در این بررسی به منظور تبیین و تعریف بحران هویت فرهنگی، نظریات نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین با نظریه پارسونر تلفیق شده و با نظریه بحران‌های هابرماس انطباق داده شده است.

نتایج نشان می‌دهد متغیرهای تأثیر پذیری از گروه دوستان و همسالان، تحصیلات فرد، جنسیت و تأثیرپذیری از ماهواره به ترتیب بیشترین اثرات را در تبیین متغیر وابسته یعنی بحران هویت داشته و حدود ۴۱ درصد از واریانس بحران هویت فرهنگی را تبیین کرده‌اند. همچنین متغیر طبقه اجتماعی نیز نتوانسته سهمی در تبیین متغیر وابسته داشته باشد.

بهداروند و مرداسی نی سیاهی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت « بررسی آسیب‌های نوپدید در نوجوانان استان خوزستان» به بررسی آسیب‌های نوپدید در شهرستان شوشتر پرداختند. روش تحقیق اسنادی و

پیمایشی است. جامعه آماری تمام نوجوانان شهرستان شوشتر که با توجه به آمار به دست آمده ۱۵۰۰۰ نفر بوده و پرسشنامه بین ۳۵۰ نفر از آنان که نمونه را تشکیل داده‌اند توزیع گردید و با استفاده از مصاحبه، پرسشنامه‌ها تکمیل گردید. دارای شش فرضیه می‌باشد که نتایج آن بدین شرح است: بین آسیب‌های نوپدید و قانون‌گریزی، افت تحصیلی، کاهش فعالیت‌های اجتماعی، خشونت و پرخاشگری، اختلال روانی عدم مسؤولیت‌پذیری در نوجوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد. چهارچوب نظری تحقیق براساس نظریه آسیب‌شناسی، بی‌سازمانی اجتماعی، نظریه آنومی، نظریه عدم تعادل ساختاری تالکوت پارسونز، رهیافت نظریه تضاد، رهیافت کنش متقابل نمادی و کنترل اجتماعی تدوین شد.

نادری و دیگران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «سنجش چند بعدی آنومی در بین جوانان» آنومی را به عنوان یکی از مسائل اجتماعی قلمداد کرده که طی آن، فرد دچار احساس بی‌هنجاری شده و اغتشاش، گسستگی و فقدان اجماع در بین فرد و جامعه را باعث می‌شود. احساس گمگشتگی، ناامیدی، نگرش به آینده، اختلال در فرهنگ مصرفی و انتظام اجتماعی عامل پدیداری آنومی در سطوح مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در جامعه بوده و در معرض فروپاشی قرار گرفتن پیکره ساختار بندی جامعه می‌شود. پژوهش حاضر از نوع پیمایشی-همبستگی و به لحاظ زمانی از نوع مقطعی بوده و از تکنیک پرس‌وجوی کتبی یا پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها با حجم نمونه آماری ۳۹۴ نفر با بهره‌گیری از شیوه‌ی نمونه‌گیری مطابق متناسب در بین جوانان ۱۵-۲۹ ساله طی سال ۸۹ در شهر اردبیل استفاده شده است. نتایج آزمون‌های آماری مبین رابطه‌ی معنادار بین نگرش به آینده، عزت نفس، گمگشتگی فرهنگی، احساس نابرابری، پایداری دینی، گسیختگی خانواده و روابط نامناسب اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و آنومی به عنوان متغیر وابسته‌ی تحقیق می‌باشد. نتایج برآورد مدل رگرسیونی در نرم افزار لیزرل ۸/۵، نگرش منفی به آینده را دارای بیشترین قدرت تبیین و اثرگذاری روی واریانس‌های آنومی و گسیختگی خانوادگی را دارای پایین‌ترین تأثیر در وضعیت آنومی جوانان نشان می‌دهد. همچنین از بین سطوح آنومی، موجودیت شدید زمینه‌های آنومی فرهنگی دارای بیشترین میزان و آنومی اقتصادی دارای کمترین میزان در بین جوانان ارزیابی شده است.

دانیال بادزک، فلیپ هایلند (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان مدل نظری هویت اجتماعی بزهاکار: نگرش اجتماعی - روانی به ارتقاء مدل نظری هویت اجتماعی بزهاکار می‌پردازند.

در این مقاله ۴ فرضیه مطرح می‌شود که افراد به علت وجود مستمر هویت بزهاکارانه که منشاء آن فرایند مقایسه اجتماعی است بزهاکار می‌شوند. به ویژه مقایسه‌های اجتماعی منفی که به وسیله‌ی افرادی که در نقش‌های اجتماعی دلخواهشان شکست خورده‌اند و رفتارهای ناسازگار از خود نشان می‌دهند. به علاوه بر اساس فرضیات تئوری شناختی اجتماعی خود این مقاله پیشنهاد می‌کند که ارتقاء هویت

بزهکارانه ممکن است تحت تأثیر نمایش بزهکاران مشهور که در اذهان مردم حک شده و در زمان های مشخصی به علت شرایط مناسب قابل دسترسی باشد. این با مفهوم هویت های اجتماعی پیچیده که فرض می کند تغییرات زمینه‌ای اجتماعی فرد مانند تغییرات هویتی اجتماعی است سازگار است (Boduzek & Hyland, 2011).

جرمن آر. کوچ و آلدن ای. روبرتس و دیگران دانشگاه تیچ (نگزاس) (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان هنرنمایی روی بدن (تتو یا خالکوبی)، انحراف و دانشجویان آمریکایی به بررسی رابطه‌ی بین هنرنمایی روی بدن (تتو و سوراخ کردن اعضای مختلف بدن) و انحراف می‌پردازند.

از تئوری خرده فرهنگ هویت استفاده می کند و نشان می دهد که با افزایش هنرنمایی در بدن افراد سطح بالاتری از رفتارهای انحرافی را گزارش می کنند این فرضیه روی ۱۷۵۳ دانشجوی آمریکایی آزمایش شد از آنها خواسته شد تا میزان هنرنمایی روی بدن و سوابق انحرافی خود را گزارش دهند.

نتایج نشان داد که پاسخگویی که بیشتر از ۴ مورد تتو روی بدن خود داشتند و همچنین بیشتر از ۷ مورد بدن خود را سوراخ کرده بودند بیشتر علاقه داشتند تا مصرف ماری جوانا یا مصرف مواد غیرمعمول یا دستگیری به خاطر جرایم، تقلب در کارهای دانشگاهی مصرف مشروبات و داشتن ارتباط جنسی با افراد بیشتری در طول زندگی‌شان را گزارش کنند (Koch & Alden, 2012).

فرانکام ویرمن و مک تلد هواو (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان همسالان و بزهکاری بین دختران و پسران: آیا تفاوت‌های جنسیتی بزهکاری با عامل همسالان توضیح داده می‌شود؟ تفاوت‌های جنسیتی بین همسالان و بزهکاری را بررسی می‌کنند.

محقق میزان اثرات متفاوت همسالان بر روی بزهکاری دختر و پسر را تحلیل کرد، اطلاعات جمع آوری شده درباره ی همسالان عبارت بود از میزان بزهکاری همسالان، زمانی که با همسالان صرف می‌شود، فشار همسالان، ترکیب جنسی شبکه همسالان.

نتایج نشان داد، اگر چه ویژگی‌های روابط همسالان در جنبه های مختلفی بین دختر و پسر متفاوت است ولی تأثیر همسالان بر رفتار انحرافی برای دختر و پسر قابل ملاحظه است به نظر می‌رسد بررسی متغیر همسالان بخش قابل توجهی از تفاوت های جنسیتی در رفتار بزهکارانه را توضیح می‌دهد (Weerman & machted, 2012).

۴- چارچوب نظری پژوهش

به طور کلی دو دیدگاه متفاوت در نگرش های نظری معاصر برای تحلیل انحرافات اجتماعی وجود دارد. دیدگاهی که بر متغیرهای ساختاری بنا شده است و علل ارتکاب جرم و بزهکاری را در ساختار نظام

اجتماعی جستجو می‌نماید. نظریه های جنسیت، مارکسیسم، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، نظریه خرده فرهنگ و نظریه برچسب و... در این دیدگاه قرار دارند.

دیدگاه دوم که بر عوامل موقعیتی تأکید دارد شامل نظریه‌های کنترل اجتماعی و یادگیری اجتماعی است. دیدگاه سوم دیدگاه تلفیقی که ترکیبی از دو دیدگاه فوق می باشد.

این تحقیق براساس دیدگاه تلفیقی استوار است. با این استدلال که اولاً هیچ انسانی ذاتاً نابهنجار نیست، ثانیاً انسان ساخته و اسیر ساختارها نیست.

با توجه به موضوع پژوهش به نظر می‌رسد نظریه تلفیقی کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی و نظریه برچسب و ترکیب متغیرهای آنها می‌تواند برای ایجاد چارچوب نظری پژوهش مناسب باشد.

عواملی همچون پایگاه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی خانواده، سطح معاشرت، دوستان و همسالان، سطح تعهدات، احساس تعلق به الزامات حاکم بر محیط خانواده زدن برچسب منحرف، همگی با رفتارهای انحرافی دانش آموزان رابطه دارد.

موضوع اصلی نظریه کنترل اجتماعی این است که رفتارهای انحرافی نتیجه نبود کنترل اجتماعی است. فرض اصلی این نظریه مبتنی بر دیدگاه فروید است که می‌گوید افراد به طور طبیعی تمایل به بزهکاری دارند و اگر تحت کنترل قرار نگیرند به کجروی می پردازند و بزهکاری بیش از آنکه ناشی از نیروهای محرک نابهنجاری باشد، محصول عدم ممانعت است. این درست نقطه ی مقابل نظریه یادگیری است که بزهکاری را ناشی از شرایط اجتماعی خاص (تجربه یادگیری از دیگران) می‌داند. نظریه یادگیری می پرسد، علت رفتارهای انحرافی چیست؟ اما نظریه کنترل اجتماعی می پرسد، علت همنوایی چیست؟ زیرا چیزی که رفتارهای انحرافی را به وجود می آورد فقدان همان چیزی است که به همنوایی می انجامد پاسخی که به این سوال مهم داده شده این است که آنچه موجب همنوایی می شود، اعمال کنترل اجتماعی برافراد برای پیشگیری از رفتارهای انحرافی است. بنابراین فقدان یا ضعف کنترل اجتماعی علت اصلی رفتارهای انحرافی است. مهمترین صاحب نظر رویکرد کنترل اجتماعی هیرشی است.

از منظر نظریه کنترل اجتماعی عدم تعلق و تقید فرد نسبت به دو نهاد خانواده و مدرسه زمینه ساز رفتارهای بزهکاری است. هنگامی که خانواده و مدرسه قادر به یاد دادن ارزش‌ها و هنجارهای مورد وفاق جامعه نباشد و فرد (دانش آموز) از طریق این نهادها کنترل و حمایت نشود، به گروه‌های همسال پناه می برد در این حالت ارضای نیازها به شیوه ی بزهکاری به راحتی به فرد منتقل می‌شود (۱۹۷۹، هیرشی).

سطح دلبستگی جوانان به گروه همسن و سال بعضاً بزهکار و احساس تعهد به ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر آن گروه‌ها بیشتر می‌شود و با یادگیری قواعد و شیوه های جدید بزهکاری، از نو جامعه پذیر شده و یک خرده فرهنگ بزهکاری را عملاً ایجاد می کنند و الگوهای رفتاری آنها مخصوصاً در بین نوجوانان و

جوانان همه طبقات جامعه رواج می‌یابد و نقش یک گروه مرجع را ایفاء می‌کند به موازات افزایش تقیدات و دلبستگی جوانان به همسالان و دوستان بزهکار، به همان اندازه ممکن است تقیدات و تعهدات آنها نسبت به رعایت الزامات اجتماعی حاکم بر خانواده و مدرسه کاهش یابد تا جایی که نسبت به هنجارها و قواعد مرسوم و الزامات اجتماعی بی‌اعتنا شده در صدد هرچه بیشتر کم رنگ کردن آنها عمل نمایند.

در نظریه یادگیری اجتماعی رفتارهای انحرافی نتیجه‌ی یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی به ویژه در چارچوب خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان است. نکته اصلی در این نظریه این است که افراد در فرایند تعامل با دیگران، رفتارهای انحرافی را یاد می‌گیرند. ادوین ساترلند از نظریه‌پردازان پیشگام در زمینه بزهکاری و تأثیر یادگیری اجتماعی است.

اگر نوجوان در جریان جامعه‌پذیری طغیان و تخطی از هنجارها را بیاموزد، به سوی رفتارهای انحرافی کشیده خواهند شد.

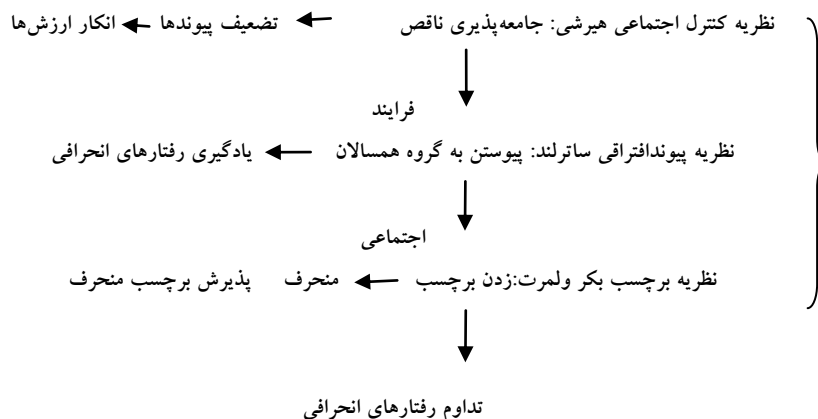
به اعتقاد ساترلند (۱۹۴۲) جوانان در فرایند یادگیری اجتماعی به تقلید از رفتار دیگران می‌پردازد و از طریق رسانه‌های جمعی (به ویژه رسانه‌های تصویری نظیر تلویزیون) برخی از رفتارهای انحرافی را می‌آموزند.

از نظر نظریه برچسب قبول رسمی یا غیررسمی انحراف درباره‌ی فرد، موجب رفتار متفاوت یا نامناسب دیگران نسبت به او می‌شود و در نتیجه بیش از آن که فرد را از شکستن هنجارها باز دارد، موجب افزایش تمایل او به شرکت در گروه‌های منحرف و ایفاء نقش‌های انحرافی می‌گردد (تبدیل انحراف اولیه به انحراف ثانویه).

اجتماعی شدن فراگردی است که انسان‌ها از طریق آن شیوه‌های زندگی جامعه‌ی شان را یاد می‌گیرند (کوئن، ۱۳۷۴: ۷۴). در صورتی که خانواده و مدرسه نتواند دانش‌آموز را جامعه‌پذیر کند و هنجارها و ارزش‌های جامعه را به او یاد دهد، عدم جامعه‌پذیری منجر به تضعیف هنجارها و تضعیف پیوندهای اجتماعی می‌شود. تضعیف پیوندهای مرسوم منجر با انکار ارزش‌های اجتماعی توسط جوانان شده موجب پیوستن آنها به گروه‌های همسالان کجرو می‌شود این هم‌نشینان کجرو رفتارهای کجروانه را تقویت می‌کند.

آینده شخصی که در هنگام ارتکاب خلاف دستگیر می‌شود و برچسب منحرف به او می‌خورد ممکن است به شدت تغییر کند شخصی که خود را برحسب این برچسب باز می‌نگرد، نیز متناسب با همین برچسب رفتار می‌کند او که خودش را منحرف تشخیص می‌دهد و می‌بیند که دیگران نیز با همین عنوان با او برخورد می‌کنند ممکن است از جامعه متعارف دوری‌گزیند و به کسانی بپیوندد که برچسبی

همانند برچسب او دارند در اینجا برچسب منحرف آینده‌ی یک فرد را مشخص می‌سازد (کوئن، ۱۳۷۴:۱۶۶) باعث تداوم رفتارهای انحرافی در افراد می‌شود.



با توجه به نظریه‌های بحث شده و بیان ارتباط کلی آنها با یکدیگر برای اینکه بتوانیم از این نظریه‌ها در فهمیدن و در مطالعه‌ی دقیق موضوع مورد مطالعه، استفاده کنیم و راهنمای تحقیق در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها باشد فرضیه‌هایی را از این نظریه‌ها استخراج می‌کنیم. سازمان‌دادن به یک تحقیق در محور فرضیه‌ها بهترین وسیله‌ی منظم و استوار است، فرضیه، با الهام از تفکری تئوریک و بر پایه‌ی شناخت مقدماتی پدیده‌ی موضوع مطالعه (مرحله‌ی اکتشافی)، بیانگر استنباطی مستدل درباره‌ی رفتار اشیاء واقعی مطالعه است. فرضیه برای تحقیق خط راهنمای مؤثری فراهم می‌کند (کیوی و کامپنهود ۱۳۷۵: ۱۱۱).

از آنجایی که فرضیه‌ها باید از نظریه‌های انتخاب شده در چارچوب نظری استخراج شود یکی از معیارهای فرضیه خوب ارتباط با نظریه‌های منتخب است (ساعی، ۱۳۸۱:۱۲). در زیر بر اساس نظریه‌های ارائه شده فرضیه‌ها را استخراج می‌کنیم:

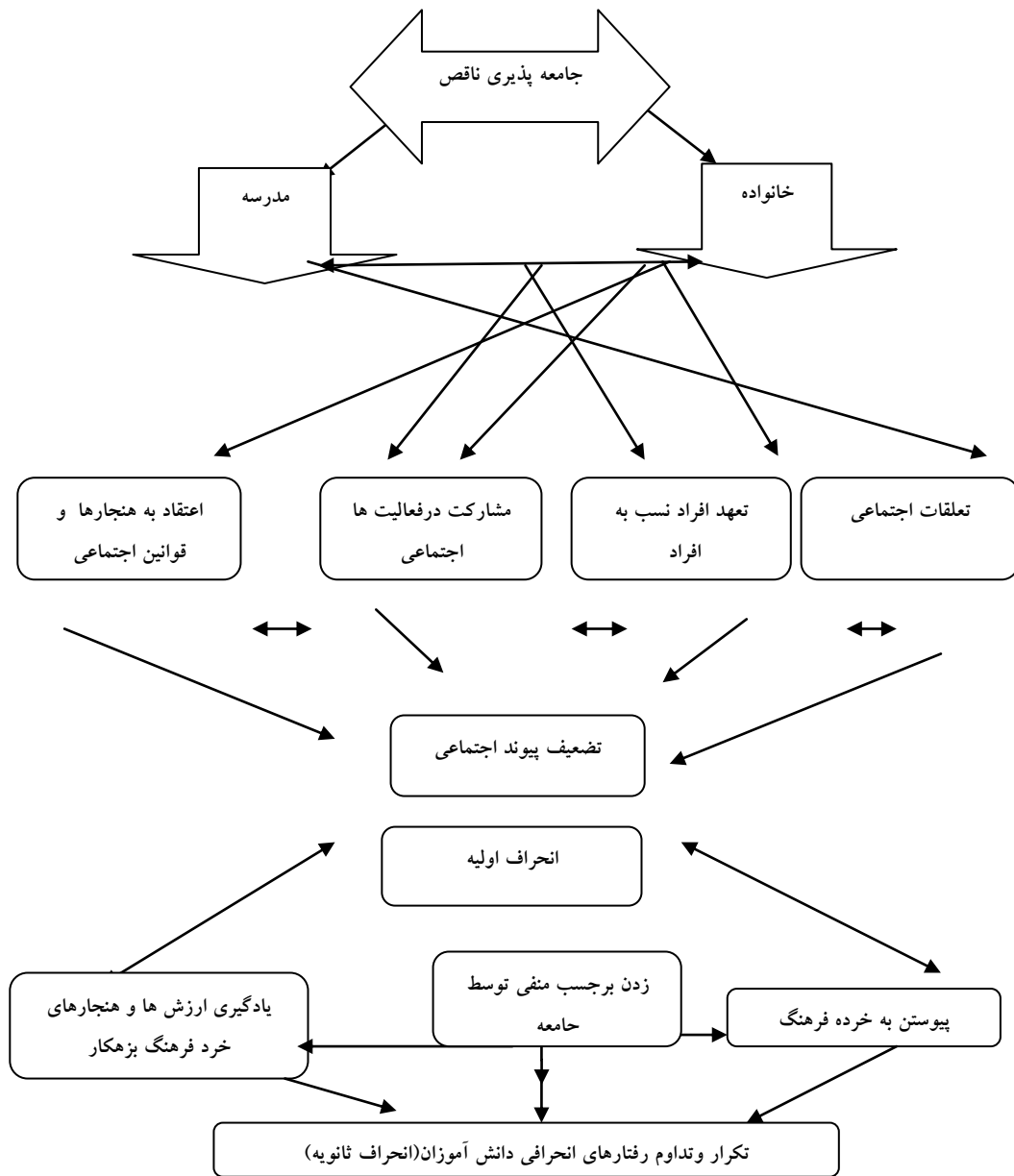
جدول (۱). متغیرهای مستقل، تئوریهای مرتبط و مؤلفه‌های مرتبط

متغیرهای مستقل، تئوریهای مرتبط و مؤلفه‌های مرتبط			
عنوان تئوری	بعد و مؤلفه ای که بازدارندگی از رفتار انحرافی تولید می کند.	تئورسین	مفهوم تئوریکی
پیوند اجتماعی	قیود	هیرشی	تعلقات اجتماعی
پیوند اجتماعی	قیود	هیرشی	تعهدات
پیوند اجتماعی	قیود	هیرشی	درگیری
پیوند اجتماعی	قیود	هیرشی	اعتقاد
پیوند افتراقی	روابط(تماس)	ساترلند	همنشینان
انگ زنی	کنش و واکنش	بکر	پذیرش انحراف(برجسب)

۵- فرضیه‌ها

- ۱-به نظر می‌رسد بین تعلقات اجتماعی و گرایش به رفتارهای انحرافی دانش آموزان رابطه وجود دارد.
- ۲-به نظر می‌رسد بین میزان مشارکت و درگیری جوانان در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و گرایش آنها به رفتارهای انحرافی رابطه وجود دارد.
- ۳-به نظر می‌رسد بین اعتقادات دینی جوانان و گرایش به رفتارهای انحرافی رابطه وجود دارد.
- ۴-به نظر می‌رسد بین بزهکاری اعضای خانواده، مدرسه و گروه همسالان و گرایش دانش آموزان به رفتارهای انحرافی رابطه وجود دارد.
- ۵-به نظر می‌رسد بین پذیرش انحراف و تکرار و تداوم رفتارهای انحرافی رابطه وجود دارد.
- ۶-به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین و گرایش به رفتارهای انحرافی رابطه وجود داشته باشد.

۶- مدل نظری رفتارهای انحرافی



نمودار شماره (۱). مدل نظری رفتارهای انحرافی

۷- روش تحقیق

روش تحقیق پیمایشی بوده و برای سنجش رفتارهای انحرافی از تکنیک خوداعترافی استفاده شده است. تکنیک خود اعترافی سنجش انحرافات اجتماعی، معمولاً بیشتر برای اندازه‌گیری بزهکاری جوانان به کار می‌رود (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۱۸) در این روش به جای استفاده از آمارهای رسمی جنایی، پاسخگویان خود تخلفاتی را که مرتکب شده‌اند، گزارش می‌دهند. این روش اساساً تکنیکی است که به منظور برآورد میزان نابهنجاری در میان افراد به کار می‌رود. با این روش نابهنجاری و بزهکاری در میان کسانی بررسی می‌شود که بطور رسمی دستگیر و محکوم نگردیده و به آنان برچسب نابهنجار زده نشده است.

۸- معرفی جامعه آماری

بر اساس آمار اداره آموزش و پرورش شهر بهشهر در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ تعداد کل دانش آموز دختر در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان ۱۰۰۷۲ نفر می‌باشد که ۳۰۰۰ نفر از این تعداد در مقطع دبیرستان در رشته‌های انسانی، تجربی، ریاضی و کار و دانش مشغول به تحصیل می‌باشند.

۹- روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری جهت دسترسی مرتبط به نمونه‌های آماری در این پژوهش شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد.

۱۰- حجم نمونه

حجم نمونه تحقیق با توجه به حجم جامعه آماری و با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر انتخاب شده است.

۱۱- ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این تحقیق از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. متغیرها به معرف‌ها و سؤال‌های مناسب برگردانده شده و در قالب پرسشنامه تخصصی تنظیم شده است. از طریق مصاحبه با پاسخگویان اطلاعات مورد نظر جمع‌آوری شد و پرسشنامه طرح شده شامل دو نوع سؤال باز و بسته است پرسشنامه شامل ۱۰۹ سؤال مرکب از متغیرهای مستقل و وابسته است. روایی پرسشنامه بر اساس آزمون آلفا کرونباخ بدین شرح است:

جدول شماره (۲). ضرایب روایی

متغیر	گویه‌ها	آلفا
اعتقادات دینی	۴	۰/۷۸
همشپنان	۹	۰/۷۲
تعلقات اجتماعی	۱۴	۰/۷۷
پذیرش انحراف (برچسب)	۵	۰/۷۱
رفتارهای انحرافی	۳۲	۰/۹۴

۱۲- تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

۱-۱۲- متغیر وابسته (رفتارهای انحرافی)

برای تعیین شاخص رفتارهای انحرافی (نابهنجاری) لیستی از افراد که شامل مدیر، معاون، مشاور، مربی پرورشی، معلم، خدمتکار دبیرستان و والدین دانش‌آموزان بودند به تعداد ۱۰۰ نفر مشخص شد. از تک تک افراد نامبرده خواسته شد مهمترین رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان در سال تحصیلی جدید را به ترتیب اولویت یادداشت کنند. بعد از جمع آوری نتایج و دسته بندی رفتارهای انحرافی مهمترین نابهنجاری‌ها استخراج و به صورت پرسشنامه درآمد. بنابر هدف تحقیق برای سنجش رفتارهای انحرافی از روش خوداعترافی استفاده شده است.

۲-۱۲- شیوه تعیین نوع رفتارهای انحرافی

یکی از اهداف این تحقیق شناخت نوع رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دختر می‌باشد و در واقع هدف اصلی این تحقیق این است که در ابتدا نوع رفتارهای انحرافی و سپس میزان هر کدام و در نهایت عوامل مؤثر بر رفتارهای انحرافی را مورد شناسایی قرار داده و میزان اهمیت آنها را مشخص کند. بنابراین تعدادی از متغیرها با استفاده از چارچوب نظری بصورت فرضی به عنوان عامل مؤثر بر رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان در نظر گرفته شد. تأثیر آنها مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین نوع نابهنجاری از تحلیل عاملی استفاده شد. در اینجا انواع رفتارهای انحرافی، از نابهنجاری‌های ساده تا خیلی مهم به صورت نامنظم آورده شد. در ابتدا حدود ۴۰ نوع رفتارهای انحرافی وارد تحلیل شد که انواع آن به شرح ذیل است: فحاشی، کشیدن سیگار و قلیان، سر به سر پسرها گذاشتن، ارتباط با جنس مخالف، گفتن دروغ، دیدن فیلم‌های غیرمجاز، خیانت، ارتباط نامشروع، دزدی، نداشتن احساس مسئولیت در مقابل دیگران، انتقام‌گیری غیرمستقیم، خودارضایی، خودکشی، مشغول‌بودن به کارهای حاشیه‌ای (مد لباس، آرایش صورت و ...)، عمل‌های زیبایی (غیرضروری)، عدم رعایت حقوق دیگران، آرایش کردن (غیرمتعارف)، ایجاد مزاحمت برای دیگران، رعایت نکردن قوانین مدرسه، مشاجره و دعوا با دیگران، آوردن تلفن همراه

(موبایل) به مدرسه، گوش نکردن به حرف‌های مدیر، معاون و معلم، احساس تنفر از کنترل والدین، پوشیدن لباس‌های خلاف مقررات مدرسه، دیرآمدن به مدرسه، احساس تنفر از کنترل مدیر، معاون و معلم، عدم احترام به بزرگترها، استفاده از وسایلی که از نظر مدرسه مجاز نیست (انگشتر، گردنبند و...) توهین به مدیر، معاون و معلم، ریختن آشغال در مدرسه، عصبانی شدن، دروغ، غیبت دیگران، گوش نکردن به حرف‌های پدر و مادر، تغلب در امتحان، پوشیدن لباس‌هایی که از نظر والدین مناسب نیست، دیررفتن به خانه، خراب کردن وسایل مدرسه و نداشتن انگیزه برای تحصیل.

جدول شماره (۳). ماتریس مولفه‌ها پس از چرخش

عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	نوع رفتارهای انحرافی
			۰/۷۲۶ ۰/۷۱۰ ۰/۶۹۸ ۰/۶۹۰ ۰/۶۶۸ ۰/۶۶۸ ۰/۶۳۷ ۰/۶۳۳ ۰/۶۲۳ ۰/۶۰۰ ۰/۵۹۲ ۰/۵۷۴ ۰/۵۵۹ ۰/۵۵۴ ۰/۵۱۹ ۰/۵۱۱ ۰/۴۳۹	توهین به مدیر، معاون و معلم کتک کاری گوش نکردن به حرف‌های مدیر، معاون و معلم ریختن آشغال در مدرسه خراب کردن وسایل مدرسه رعایت نکردن قوانین مدرسه احساس تنفر از سخت‌گیری مدیر، معاون و معلم آوردن تلفن همراه (موبایل) به مدرسه ایجاد مزاحمت برای دیگران کشیدن سیگار ارتباط با جنس مخالف پوشیدن لباس‌های خلاف مقررات مدرسه احساس تنفر از سخت‌گیری والدین مشاجره و دعوا با دیگران عصبانی شدن تغلب در امتحان دیر آمدن به مدرسه
		۰/۷۲۷ ۰/۶۹۹ ۰/۵۹۹ ۰/۵۳۳		غیبت دیگران گوش نکردن به حرف‌های پدر و مادر دروغ پوشیدن لباس‌هایی که از نظر والدین مناسب نیست
	۰/۷۳۱ ۰/۷۲۰ ۰/۶۰۵ ۰/۵۷۱ ۰/۴۸۳ ۰/۴۵۲			خیانت خود ارضایی کشیدن قلیان افکار خودکشی انتقام غیرمستقیم ارتباط نامشروع
۰/۶۱۱ ۰/۵۹۱ ۰/۵۷۸ ۰/۵۵۶ ۰/۴۶۰				ورود به سایت‌های غیرمجاز دیدن فیلم‌های غیرمجاز فحاشی جراحی‌های زیبایی (غیر ضروری) آرایش کردن (غیر متعارف)

جدول فوق بعد از چرخش با روش واریماکس و به شکل مرتب شده است. در این جدول بارهای عاملی نشان می‌دهند که هر عامل شامل کدام متغیرهاست که بر اساس معنای آنها نامگذاری می‌شود.

عامل اول شامل: توهین به مدیر، معاون و معلم، کتک کاری، گوش نکردن به حرف های مدیر، معاون و معلم، ریختن آشغال در مدرسه، خراب کردن وسایل مدرسه، رعایت نکردن قوانین مدرسه، احساس تنفر از سخت گیری مدیر، معاون و معلم. آوردن تلفن همراه به مدرسه، ایجاد مزاحمت برای دیگران، کشیدن سیگار، دزدی، پوشیدن لباس های خلاف مقررات مدرسه، احساس تنفر از سخت گیری والدین، مشاجره و دعوا با دیگران، عصبانی شدن، تغلب در امتحان، دیر آمدن به مدرسه.

با مقایسه متغیرهای این عامل می‌توان گفت که وجه مشترک این متغیرها این است که خلاف مقررات رسمی مدرسه است و برای این نوع از هنجارها می‌توان واژه قانون اجتماعی را به کار برد. قوانین اجتماعی به هنجارهایی گفته می‌شود که جامعه با خواست یا آگاهی به وجود می‌آورد و برای نقض آن کیفری پیش‌بینی می‌کند (آگبرن، ۱۳۸۰: ۱۶۹) (رفتارهای انحرافی قانونی) (قانون مدرسه).

عامل دوم شامل: غیبت دیگران، گوش نکردن به حرف های پدر و مادر، دروغ، پوشیدن لباس هایی که از نظر والدین مناسب نیست. وجه مشترک این رفتارهای انحرافی این است که اعمال خلاف اخلاق اجتماعی اند. درعین اینکه ناپسند هستند در تعالیم دینی هم بسیار نهی شده اند (رفتارهای انحرافی اخلاقی عادی شده).

عامل سوم شامل: خیانت، خودارضایی، کشیدن قلیان، افکار خودکشی، انتقام غیر مستقیم و ارتباط نامشروع. هنجارهایی که در اینجا مورد نقض قرار گرفته اند جزء رسوم اخلاقی هستند رسوم اخلاقی به هنجارهای مهمی گفته می‌شود که جامعه نقض آنها را سخت ناپسند می‌داند (آگبرن، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

مانند مورد دوم اما فرقی با مورد دوم در این است که افرادی که مرتکب آنها شوند مورد مجازات قرار می‌گیرند ولی در مورد دوم آنقدر در جامعه اتفاق می‌افتد که برای همگان عادی شده‌اند. دومی را رفتارهای انحرافی اخلاقی عادی شده و سومی را رفتارهای انحرافی اخلاقی می‌نامیم (رفتارهای انحرافی اخلاقی).

عامل چهارم شامل: ورود به سایت‌های غیرمجاز، دیدن فیلم های غیرمجاز، فحاشی، آرایش کردن (غیر متعارف)، جراحی‌های زیبایی (غیرضروری). وجه مشترک این رفتارهای انحرافی نقض هنجارهای اخلاقی در درون خانواده است. فرق آن با عامل دوم در این است که در صد تخریب نقض این هنجارها به مراتب بیشتر از مورد دومی است. پس عامل دومی و چهارمی هر دو رسوم اخلاقی عادی شده

محسوب می‌شود ولی چهارمی از نظر شدت آسیب‌رسانی به افراد با عامل دوم تفاوت دارد و می‌توان آن را رفتارهای انحرافی عادی شده جدید نام‌گذاری کرد. (رفتارهای انحرافی عادی شده جدید).

۳-۱۲- میزان رفتارهای انحرافی

برای سنجش میزان نابهنجاری پاسخگویان یک گویه پنج قسمتی به اشخاص داده شد و از آنها خواسته شد که میزان رفتارهای انحرافی را بر اساس این گویه‌ها بیان کنند.



۴-۱۲- متغیرهای مستقل

۱-۴-۱۲- پایگاه اقتصادی و اجتماعی

این شاخص بر اساس شاخص اجتماعی و اقتصادی دانکن (میلر، ۱۳۸۰: ۳۸۸) فراهم شده است که ترکیبی از شاخص‌های ۱- درآمد ۲- تحصیلات ۳- شغل می‌باشد. از آنجایی که تمامی افراد جامعه نمونه را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند و شغل و در نتیجه درآمدی ندارند، لذا در اینجا برای سنجش پایگاه اقتصادی و اجتماعی از درآمد خانواده، تحصیلات پدر و شغل پدر استفاده می‌کنیم.

۲-۴-۱۲- اعتقادات دینی

منظور از دینداری دینی‌بودن، التزام دینی و پایبندی دینی است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۵۹). برای سنجش دینداری از شاخص گلاک و استارک استفاده شده است. براساس دیدگاه گلاک و استارک دینداری یک مفهوم چند بعدی است که دارای ابعاد اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری و پیامدی است (همان، ۶۳). برای سنجش دینداری دانش‌آموزان از ۴ گویه شرکت در مراسم مذهبی، اعتقاد به روز قیامت، احساس نزدیکی به خدا و باورداشتن حجاب استفاده شد.

۱۲-۴-۳- رفتارهای انحرافی همشینیان

براساس نظریه همشینی افتراقی ساترلند رفتارهای انحرافی یادگرفتنی است و در اثر تعامل با دیگر افراد منحرف یاد گرفته می‌شود، از طریق این ارتباط آنها نه تنها تکنیک(شیوه) رفتارهای انحرافی خاص بلکه انگیزه اینگونه رفتارها را یاد می‌گیرند. (Edwin Sutherland, 1974:3) در این تأثیرپذیری شخص بیشتر تحت تأثیر گروه همسالان و اعضای خانواده است. لذا این شاخص ترکیبی از نابهنجاری خانواده، خویشاوندان و گروه همسالان است.

۱۲-۴-۴- تعلقات اجتماعی

از نظر هیرشی تعلقات به میزان دل بستگی شخص به دیگران اشاره دارد. اگر افراد دل بستگی بیشتری به دیگران داشته باشند از میزان انحرافات آنها کاسته می‌شود. نخستین دل بستگی و تعامل در ارتباط با والدین است در مرحله بعدی دل بستگی به همسالان، معلمان، رهبران مذهبی و دیگر اعضای جامعه است (هیرشی، ۱۹۶۹:۱۹).

این شاخص ترکیبی از دل بستگی دانش‌آموزان به والدین، دوستان و کادر مدرسه (معلم، مدیر و معاون) است.

۱۲-۴-۵- پذیرش انحراف (برچسب)

شخص خود را برحسب برچسب‌هایی که می‌خورد باز می‌نگرد و متناسب با همین برچسب رفتار می‌کند. فردی که خودش را منحرف تشخیص می‌دهد و می‌بیند که دیگران نیز با همین عنوان با او برخورد می‌کنند، ممکن است از جامعه متعارف دوری‌گزیند و به کسانی بپیوندد که برچسبی همانند برچسب او دارند. در این جا، برچسب منحرف تکلیف آینده یک فرد را مشخص می‌سازد (کوئن، ۱۳۷۴:۱۶۶). تأیید برچسب انحراف فرد به طور رسمی یا غیررسمی موجب رفتار نامطلوب دیگران با او می‌شود و نه تنها او را از شکستن هنجارها باز نمی‌دارد بلکه موجب افزایش تمایل او به شرکت در گروه‌های منحرف نیز می‌شود و رشد یک شخصیت منحرف را در فرد تسهیل می‌نماید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳:۱۰۳). این شاخص ترکیبی از ۵ سؤال می‌باشد.

۱۳- یافته‌های تحقیق

۱-۱۳- مختصات پاسخگویان

از میان جمعیت نمونه تحقیق ۲۰/۳ درصد دانش‌آموزان ۱۵ سال، ۳۳ درصد ۱۶ سال ۲۵/۷ درصد دانش‌آموزان ۱۷ سال و ۲۱ درصد ۱۸ سال بودند. ۳۳ درصد از دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان، ۳۱ درصد

از دانش‌آموزان پایه دوم دبیرستان، ۱۸ درصد از دانش‌آموزان در پایه سوم و ۱۸ درصد از دانش‌آموزان در پایه چهارم دبیرستان می‌باشند. پدر ۶/۷ درصد دانش‌آموزان بی‌سواد، ۲۰/۳ درصد تحصیلات ابتدایی، ۲۴ درصد تحصیلات راهنمایی ۱۲/۷ درصد تحصیلات دبیرستان، ۲۲ درصد دیپلم، ۵/۷ درصد فوق دیپلم، ۷/۷ درصد لیسانس و ۱ درصد در سطح تحصیلات بالاتر از لیسانس قرار دارند. ما در ۱۶ درصد از دانش‌آموزان بی‌سواد، ۲۹/۷ درصد تحصیلات ابتدایی، ۲۰/۷ درصد تحصیلات راهنمایی، ۱۰/۳ درصد تحصیلات دبیرستانی، ۱۷ درصد دیپلم، ۳/۳ درصد فوق دیپلم، ۲/۷ درصد لیسانس و ۳ درصد دارای تحصیلات بالاتر از لیسانس بوده‌اند. شغل پدر ۱۱/۷ درصد از دانش‌آموزان در سطح خیلی پایین ارزیابی شد که شامل شغل‌هایی از قبیل کارگر و ...، ۵۱ درصد در سطح پایین که شامل شغل‌هایی مانند کشاورز، مغازه دار و ...، ۳۳/۷ درصد در سطح متوسط که شامل شغل‌هایی مانند کارمند، نظامی و ...، ۲/۷ درصد در سطح بالا که شامل شغل‌هایی مانند مهندس، معاون بانک و ...، ۱ درصد در سطح خیلی بالا که شامل شغل‌هایی مانند تلافروش، قاضی و ... بودند. شغل مادر ۹۶/۳ درصد دانش‌آموزان در سطح پایین قرار دارد و شامل شغل‌هایی مانند مغازه‌داری است، البته مادران خانه دار نیز که تقریباً ۸۰ درصد را شامل می‌شدند در این سطح قرار دادیم. ۳ درصد شغل مادران دانش‌آموزان در سطح متوسط قرار دارد و شامل شغل‌هایی مانند: عکاسی، آرایشگری و خیاطی است. شغل مادر ۰/۷ درصد دانش‌آموزان در سطح بالا قرار دارد و شامل شغل‌های وکالت و استاد دانشگاه می‌باشد. ۹/۳ درصد دانش‌آموزان در خانواده ۳ نفره، ۴۱/۷ درصد در خانواده ۴ نفره، ۳۲/۳ درصد در خانواده ۵ نفره، ۱۲/۷ درصد در خانواده ۶ نفره، ۳/۲ درصد در خانواده ۷ نفره، ۱/۳ درصد در خانواده ۸ نفره، ۰/۳ درصد در خانواده ۹ نفره زندگی می‌کنند.

۱۳-۲- مختصات پاسخگویان بر حسب متغیرهای مستقل:

میزان اعتقادات دینی: این شاخص ترکیبی از شرکت در مراسم مذهبی، اعتقاد به حسابرسی اعمال در روز قیامت، گرفتن روزه، باورداشتن به حجاب می‌باشد. توزیع آن بدین شکل است: ۲۷/۷ درصد کاملاً موافق، ۲۶/۷ درصد موافق، ۳۵/۳ درصد بی‌نظر، ۱۰ درصد مخالف و ۰/۳ درصد کاملاً مخالف می‌باشند. به طور کلی میزان اعتقادات دینی پاسخگویان تقریباً در حد متوسط است.

میزان رفتارهای انحرافی نزدیکان (همنشینان): این شاخص ترکیبی از رفتارهای انحرافی افراد خانواده و همسالان و خویشاوندان می‌باشد، توزیع آن بدین شرح است: ۰/۳ درصد خیلی زیاد، ۷ درصد زیاد، ۳۲ درصد متوسط، ۵۹ درصد کم و ۱/۷ درصد خیلی کم است. در کل هم‌نشینی دانش‌آموزان با افراد منحرف در حد کم است.

میزان تعلقات اجتماعی: این شاخص ترکیبی از دل‌بستگی دانش‌آموزان به والدین، دوستان و کادر مدرسه (معلم، مدیر و معاون) است. توزیع آن بدین شرح می‌باشد: ۳/۷ درصد خیلی زیاد، ۴۲/۳ درصد زیاد، ۵۱/۷ درصد متوسط، ۲ درصد کم و ۰/۳ درصد تعلقات اجتماعی‌شان خیلی کم است. در کل تعلقات اجتماعی دانش‌آموزان در حد متوسط است.

پایگاه اقتصادی اجتماعی: ۹/۳ درصد دانش‌آموزان در خانواده‌های زندگی می‌کنند که از پایگاه اقتصادی اجتماعی خیلی پایینی برخوردار هستند. ۵۸/۳ درصد پایین، ۱۸ درصد متوسط، ۱۲/۷ درصد بالا و ۱/۷ درصد از پایگاه اقتصادی اجتماعی خیلی بالا برخوردارند. در کل پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین دانش‌آموزان در حد پایین است.

پذیرش انحراف (برچسب): ۸/۷ درصد دانش‌آموزان خوردن برچسب منفی از جانب دیگران را به میزان خیلی زیاد علت تکرار رفتارهای انحرافی می‌دانند، ۲۸/۳ درصد زیاد، ۳۶/۳ درصد متوسط، ۳/۳ درصد خیلی کم ۳/۳ درصد خوردن برچسب منفی را به میزان کم عامل تکرار رفتارهای انحرافی می‌دانند. در کل دانش‌آموزان در حد متوسط خوردن برچسب منفی را عامل تکرار رفتارهای انحرافی می‌دانند.

۱۳-۳- نوع و میزان رفتارهای انحرافی (متغیر وابسته)

برای تعیین انواع رفتارهای انحرافی از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده نموده ایم. تحلیل عاملی نشان داد که رفتارهای انحرافی چهارنوع است:

نوع اول شامل نقض قانون اجتماعی (قوانین مدرسه) است: توهین به مدیر، معاون و معلم، کتک کاری، گوش نکردن به حرف‌های مدیر، معاون و معلم، ریختن آشغال در مدرسه، خراب کردن وسایل مدرسه، رعایت نکردن قوانین مدرسه، احساس تنفر از سخت‌گیری مدیر، معاون و معلم. آوردن تلفن همراه به مدرسه، ایجاد مزاحمت برای دیگران، کشیدن سیگار، دزدی، پوشیدن لباس‌های خلاف مقررات مدرسه، احساس تنفر از سخت‌گیری والدین، مشاجره و دعوا با دیگران، عصبانی شدن، تغلب در امتحان، دیرآمدن به مدرسه. ۰/۳ درصد دانش‌آموزان رفتارهای انحرافی‌شان در حد خیلی زیاد، ۶/۳ درصد زیاد، ۲۱/۷ درصد متوسط، ۳۵/۳ درصد کم، ۳۶/۳ درصد در حد خیلی کم می‌باشد. در کل رفتارهای انحرافی قانونی دانش‌آموزان در حد کم است.

نوع دوم رفتارهای خلاف اخلاق اجتماعی‌اند (رفتارهای انحرافی اخلاقی عادی شده) شامل: غیبت دیگران، گوش نکردن به حرف‌های پدر و مادر، دروغ، پوشیدن لباس‌هایی که از نظر والدین مناسب نیست. ۰/۳ درصد دانش‌آموزان در حد خیلی زیاد، ۷ درصد زیاد، ۲۴/۳ درصد متوسط، ۳۰ درصد کم و ۳۸/۳ درصد

میزان خیلی کم مرتکب رفتارهای انحرافی شده‌اند. در کل رفتارهای انحرافی اخلاقی عادی شده دانش-آموزان در حد کم است.

نوع سوم نقض رسوم اخلاقی‌اند (رفتارهای انحرافی اخلاقی) که شامل خیانت، خودارضایی، کشیدن قلیان، افکار خودکشی، انتقام غیرمستقیم و ارتباط نامشروع. ۱/۳ درصد دانش‌آموزان رفتارهای انحرافی شان در حد خیلی زیاد، ۶/۷ درصد زیاد، ۲۵/۳ درصد متوسط، ۳۹/۷ کم و ۲۷ درصد خیلی کم می‌باشد. در کل رفتارهای انحرافی اخلاقی دانش‌آموزان در حد کم است.

نوع چهارم نقض هنجارهای اخلاقی (رفتارهای انحرافی اخلاقی عادی شده جدید) که شامل ورود به سایت‌های غیرمجاز، دیدن فیلم‌های غیرمجاز، فحاشی، آرایش کردن (غیرمتعارف)، جراحی‌های زیبایی (غیرضروری). ۱/۳ درصد دانش‌آموزان رفتارهای انحرافی اخلاقی عادی شده جدید را به میزان خیلی زیاد، ۱۹/۷ درصد به میزان زیاد، ۳۹/۷ درصد در حد متوسط، ۳۸/۳ درصد کم و ۱ درصد به میزان خیلی کم انجام می‌دهند. در کل رفتارهای انحرافی اخلاقی عادی شده جدید دانش‌آموزان در حد متوسط است به طور کلی ۰/۳ درصد دانش‌آموزان رفتارهای انحرافی شان در حد خیلی زیاد، ۳/۳ درصد در حد زیاد، ۲۹ درصد در حد متوسط، ۵۴/۳ درصد در حد کم، ۱۳ درصد در حد خیلی کم می‌باشد. در کل رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دختر در حد کم است.

۱۴- تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها

جدول (۴). رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح معناداری	میزان همبستگی	جهت
تعلقات اجتماعی	رفتارهای انحرافی	۰/۰۰۰	-۰/۴۱	منفی
مشارکت	رفتارهای انحرافی	۰/۰۰۰	-۰/۳۴	منفی
اعتقادات دینی	رفتارهای انحرافی	۰/۰۰۰	-۰/۴۵	منفی
همنشیان	رفتارهای انحرافی	۰/۰۰۰	۰/۵۰	مثبت
برچسب	رفتارهای انحرافی	۰/۰۰۰	۰/۴۷	مثبت
پایگاه اقتصادی اجتماعی	رفتارهای انحرافی	۰/۱۲	۰/۰۳۲	مثبت

۱۴-۱- آزمون هم‌خطی

یکی از مفروضات مهم اکثر آزمون‌ها این است که نباید بین متغیرها رابطه هم‌خطی وجود داشته باشد. یعنی هیچ‌یک از متغیرهای مستقل نباید رابطه خطی با همدیگر داشته باشند. جدول زیر مربوط به تشخیص میزان هم‌خطی بین متغیرهای مستقل است.

جدول شماره (۵). میزان هم‌خطی بین متغیرهای مستقل

آماره های هم خطی		Sig	t	ضرایب تأثیر رگرسیون استاندارد شده	ضرایب تأثیر رگرسیونی استاندارد نشده		مدل
VIF	Tolerance				Beta	Std.Error	
		۰/۰۰۰	۹/۲۵۸		۹/۶۷۶	۸۹/۵۸۵	(Constant)
۱/۳۲۹	۰/۷۵۳	۰/۰۰۰	۴/۳۲۲	۰/۲۱۷	۰/۲۲۶	۰/۹۷۶	برچسب
۱/۷۱۶	۰/۵۸۳	۰/۰۰۱	-۳/۲۵۲	-۰/۱۸۶	۰/۳۴۷	-۱/۱۲۹	اعتقادات دینی
۱/۲۳۵	۰/۸۱۰	۰/۰۰۰	۶/۶۲۹	۰/۳۲۱	۰/۱۸۹	۱/۲۵۱	همنشینان
۱/۰۷۶	۰/۹۲۹	۰/۰۰۰	-۴/۷۲۷	-۰/۲۱۴	۰/۳۲۰	-۱/۵۱۱	مشارکت
۱/۵۹۷	۰/۶۲۶	۰/۵۰۷	-۰/۶۶۵	-۰/۰۳۷	۰/۱۷۲	-۰/۱۱۴	تعلقات اجتماعی
۱/۰۲۲	۰/۹۷۸	۰/۰۴۶	۲/۰۰۸	۰/۰۸۹	۱/۰۶۳	۲/۱۳۵	پایگاه اقتصادی اجتماعی

ضریب تولرانس بین (۰) تا (۱) نوسان دارد، نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تا چه اندازه رابطه خطی با همدیگر دارند. هرچه مقدار تولرانس بیشتر (نزدیک به ۱) باشد، میزان هم‌خطی کمتر است و بر عکس. در جدول فوق، مقدار تولرانس ۳ متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و همنشینان بالاتر از بقیه متغیرهاست که نشان می‌دهد سایر متغیرهای مستقل در مدل نتوانسته‌اند میزان زیادی از واریانس این ۳ متغیر را تبیین کنند.

شاخص دیگر، عامل تورم واریانس است. هر چه مقدار عامل تورم واریانس کمتر است، میزان هم‌خطی بیش تر است. در جدول فوق می‌بینیم که برعکس تولرانس که در آن، مقدار ۳ متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و همنشینان بالاتر بود، در این جا مقدار ضریب عامل تورم واریانس برای متغیرهای دینداری، تعلقات اجتماعی و برچسب بالاتر از بقیه متغیرهاست. هرچه مقدار تولرانس از عدد (۲) بیشتر باشد، میزان هم‌خطی بیشتر است.

جدول شماره (۶). نتایج آماره‌های همخطی

Variance proportions							شاخص وضعیت	مقادیر ویژه	مدل مولفه (بعد)
پایگاه اقتصادی	تعلقات اجتماعی	مشارکت	همنشینان	اعتقادات دینی	برچسب	constant			
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰۰	۶/۴۴۰	۱
۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۱۷	۰/۱۳	۰/۰۰	۵/۴۲۹	۰/۲۱۹	۲
۰/۷۴	۰/۰۰	۰/۱۴	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۰	۶/۵۷۳	۰/۱۴۹	۳
۰/۱۳	۰/۰۱	۰/۵۹	۰/۰۰	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۰	۷/۶۴۸	۰/۱۱۰	۴
۰/۰۷	۰/۱۹	۰/۱۱	۰/۱۸	۰/۳۸	۰/۴۸	۰/۰۱	۱۲/۶۲۱	۰/۰۴۰	۵
۰/۰۱	۰/۶۴	۰/۰۰	۰/۲۲	۰/۲۷	۰/۱۵	۰/۰۰	۱۳/۷۹۵	۰/۰۳۴	۶
۰/۰۱	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۵۹	۰/۰۷	۰/۱۰	۰/۹۸	۲۸/۵۷۳	۰/۰۰۸	۷

ستون اول این جدول نشان می‌دهد که در مجموع ۷ مؤلفه یا بعد شامل یک متغیر وابسته و ۶ متغیر مستقل در مدل رگرسیونی وارد شده است.

ستون دوم مربوط به مقادیر ویژه است که نشان می‌دهد هرچه این مقادیر به صفر (۰) نزدیک باشد، همبستگی زیادی بین متغیرهای مستقل وجود دارد و تغییرات کوچک در مقادیر داده‌ها، به تغییرات بزرگ در برآورد ضرایب معادله رگرسیونی منجر می‌شود. در جدول فوق مقادیر ویژه ۳ مؤلفه (از مؤلفه ۵ تا مؤلفه ۷) در سطح بسیا رکم است که نشان می‌دهد همبستگی زیادی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رفتارهای انحرافی وجود دارد.

ستون سوم مقادیر شاخص وضعیت را نشان می‌دهد. هرچه مقدار این شاخص کمتر باشد، نشان از نبود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل دارد اما موقعی که مقدار آن بزرگ‌تر از ۱۵ باشد، احتمال وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل است. زمانی که مقدار این شاخص بزرگ‌تر از ۳۰ باشد، نشان می‌دهد که مشکل جدی در وضعیت هم‌خطی وجود دارد و نمی‌توان از رگرسیون استفاده کرد. در جدول فوق مقادیر یکی از شاخص‌های وضعیت برابر با ۲۸/۵۷۳ است که نشان از وجود هم‌خطی (پایین) دارد.

۱۵- بررسی میزان اثرات و همزمان متغیرهای مستقل بر رفتارهای انحرافی:

برای تعیین رابطه خطی موجود بین متغیرهای مستقل (برچسب، پایگاه اجتماعی، اعتقادات دینی، تعلقات اجتماعی، مشارکت و همنشینان) و متغیر وابسته (رفتارهای انحرافی) از رگرسیون چند متغیره استفاده شد که نتایج بدین شرح است:

جدول شماره (۷) ضرایب همبستگی چند گانه

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	مجذور ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۶۶۵	۰/۴۴۳	۰/۴۳۱	۱۶/۸۹۶۹۶

مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها (۰/۶۶۵) می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R Square) ۰/۴۳۱ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۴۳/۱ درصد از کل تغییرات میزان رفتارهای انحرافی دانش-آموزان وابسته به ۶ متغیر مستقل ذکر شده می‌باشد. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای مستقل، تقریباً نیمی از واریانس متغیر رفتارهای انحرافی را پیش‌بینی می‌کنند.

جدول شماره (۸) آنالیز واریانس

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	Sig
رگرسیون	۶۶۴۸۵/۳۷	۶	۱۱۰۸۰/۸۹۶	۳۸/۸۱۱	۰/۰۰۰
باقیمانده	۸۳۶۵۳/۶۰	۲۹۳	۲۸۵/۵۰۷		
کل	۱۵۰۱۳۹	۲۹۹			

با توجه به معنی‌داری مقدار آزمون F می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی مرکب از ۶ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته مدل تقریباً خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات رفتارهای انحرافی را تبیین کنند.

جدول شماره (۹). ضرایب رگرسیون چندگانه

Sig	t	ضرایب تأثیر رگرسیونی استاندارد نشده		مدل
		Beta	Std.Error	
۰/۰۰۰	۹/۲۵۸		۹/۶۷۶	(Constant)
۰/۰۰۰	۴/۳۲۲	۰/۲۱۷	۰/۲۲۶	برچسب
۰/۰۰۱	-۳/۲۵۲	-۰/۱۸۶	۰/۳۴۷	اعتقادات دینی
۰/۰۰۰	۶/۶۲۹	۰/۳۲۱	۰/۱۸۹	همشینیان
۰/۰۴۶	۲/۰۰۸	۰/۰۸۹	۱/۰۶۳	پایگاه اقتصادی اجتماعی
۰/۰۰۰	-۴/۷۲۷	-۰/۲۱۴	۰/۳۲۰	مشارکت
۰/۵۰۷	-۰/۶۶۵	-۰/۰۳۷	۰/۱۷۲	تعلقات اجتماعی

ضرایب تأثیر رگرسیونی استاندارد نشده و استاندارد شده، ضرایب تأثیر رگرسیونی هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. در این قسمت ضرایب رگرسیونی بر اساس ضریب بتا (Beta) انجام می‌گیرد. بنابراین، می‌توانیم با استفاده از آن، سهم نسبی هر متغیر مستقل در مدل را مشخص کنیم. مقایسه متغیرها نشان می‌دهد که

اولاً، پنج متغیر بر چسب، اعتقادات دینی، همشینیان، پایگاه اقتصادی اجتماعی و مشارکت بر رفتارهای انحرافی معنی‌دار است، اما متغیر تعلقات اجتماعی به خاطر این که سطح خطای مقدار t آن بالاتر از $0/05$ می‌باشد، نشان‌دهنده این است که متغیر مذکور بر متغیر رفتارهای انحرافی تأثیر ندارد.

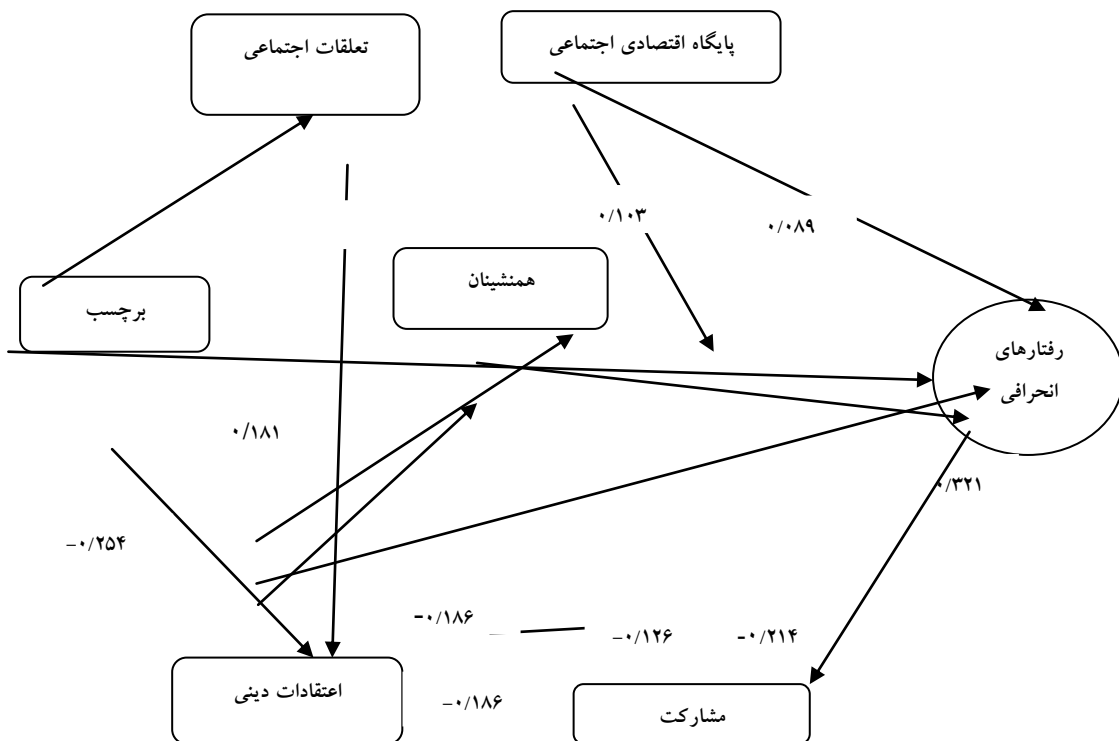
ثانیاً، متغیرهای همشینیان با ضریب رگرسیون $0/321$ ، بر چسب با ضریب $0/217$ و مشارکت با ضریب $0/214$ - به ترتیب بالاترین تأثیر رگرسیون را روی متغیر رفتارهای انحرافی داشته‌اند.

تفسیر ضرایب رگرسیون: در مورد متغیر همشینیان، نتیجه را می‌توان بدین شکل تفسیر کرد که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در مورد متغیر همشینیان، میزان رفتارهای انحرافی در فرد به میزان $0/321$ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. تفسیر سایر متغیرها نیز بدین شکل انجام می‌شود.

جدول شماره (۱۰). میزان تأثیر مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته رفتارهای انحرافی

متغیرها	انواع تأثیر	
	مستقیم	غیرمستقیم
همشینیان	$0/321$	$0/321$
برچسب	$0/217$	$0/100$
مشارکت	$-0/214$	$0/040$
اعتقادات دینی	$-0/186$	$-0/060$
پایگاه اقتصادی اجتماعی	$0/089$	$0/122$
تعلقات اجتماعی		$-0/124$

نتایج جدول بالا را می‌توان به صورت زیر در قالب نمودار نشان داد:



نمودار شماره (۲). مدل تجربی عوامل مؤثر بر رفتارهای انحراف

برای آزمون مدل علی از تحلیل مسیر استفاده کردیم. مقدار R که به ضریب همبستگی چندگانه معروف است و میزان همبستگی چندگانه بین مجموعه متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد، ۰/۶۶۵ است. مقدار این ضریب بین (۰) تا (۱) نوسان دارد. هرچه مقدار این ضریب به (۱) نزدیک تر باشد، نشان از همبستگی قوی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته دارد. R square مدل ۰/۴۴۳ است، که نشانگر آنست که مدل از کارایی نسبتاً متوسطی برخوردار است. اینگونه می‌توان تفسیر کرد که نزدیک به ۴۴ درصد کل واریانس شاخص رفتارهای انحرافی توسط یک ترکیب خطی از شش شاخص برجسب، همشینیان، اعتقادات دینی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، تعلقات اجتماعی و مشارکت به حساب می‌آید.

براساس مدل تجربی عوامل مؤثر بر رفتارهای انحرافی را اینگونه می‌توان تبیین کرد:

دیاگرام تحلیل مسیر نشان داده که علاوه بر تأثیر مستقیم متغیرهای مستقل بر رفتارهای انحرافی تأثیرهای غیر مستقیم نیز هرکدام بر متغیر وابسته دارند.

مسیر اول: متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی علاوه بر تأثیر مستقیم از طریق تأثیر بر هم‌نشینان بر رفتارهای انحرافی تأثیر دارد. بدین معنی که هرچه قدر پایگاه اقتصادی اجتماعی فرد بالاتر باشد میزان پیوند فرد با هم‌نشینان منحرف بیشتر می‌شود.

مسیر دوم: احساس برجسب در فرد علاوه بر تأثیر مستقیم بر رفتارهای انحرافی باعث کاهش تعلقات اجتماعی فرد می‌شود کاهش تعلقات باعث کاهش اعتقادات دینی فرد شده با کاهش اعتقادات دینی میزان پیوند با هم‌نشینان منحرف بیشتر می‌شود و هم‌نشینی بیشتر با افراد منحرف باعث افزایش رفتارهای انحرافی در فرد می‌شود.

مسیر سوم: با کاهش تعلقات اجتماعی میزان اعتقادات دینی فرد کاهش پیدا می‌کند با کاهش اعتقادات دینی هم‌نشینی فرد با افراد منحرف بیشتر می‌شود با افزایش ارتباط فرد با افراد منحرف میزان رفتارهای انحرافی فرد بیشتر می‌شود.

مسیر چهارم: متغیر اعتقادات دینی علاوه بر تأثیر مستقیم بر رفتارهای انحرافی از طریق تأثیر بر هم‌نشینان بطور غیرمستقیم بر رفتارهای انحرافی تأثیر دارد. با کاهش اعتقادات دینی میزان پیوند با هم‌نشینان منحرف بیشتر می‌شود و با افزایش پیوند با افراد منحرف رفتارهای انحرافی فرد هم افزایش پیدا می‌کند.

مسیر پنجم: مشارکت به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر رفتارهای انحرافی فرد تأثیر دارد هر اندازه مشارکت فرد در فعالیت‌های متداول و معمول زندگی کاهش پیدا کند میزان پیوند فرد با هم‌نشینان منحرف بیشتر می‌شود و با افزایش ارتباط با افراد منحرف رفتارهای انحرافی فرد هم افزایش پیدا می‌کند.

۱۵- بحث و بررسی یافته‌ها

یکی از متغیرهایی که براساس چارچوب نظری فرض می‌شد بر رفتارهای انحرافی تأثیر دارد رفتارهای انحرافی نزدیکان (هم‌نشینان) فرد بود میزان همبستگی دو به دوی آنها $0/50$ بوده و ضریب تأثیر آن در رگرسیون چندمتغیری $0/32$ بوده که بیشترین تأثیر را در بین متغیرهای مستقل این متغیر داشته است. در نظریه یادگیری اجتماعی رفتارهای انحرافی نتیجه‌ی یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی به ویژه در چارچوب خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان است. نکته اصلی در این نظریه این است که افراد در فرایند تعامل با دیگران، رفتارهای انحرافی را یاد می‌گیرند. اگر نوجوان در جریان جامعه‌پذیری طغیان و تخطی از هنجارها را بیاموزد، به سوی رفتارهای انحرافی کشیده خواهند شد. دانش‌آموزان در فرایند یادگیری اجتماعی به تقلید از رفتار دیگران می‌پردازد و از طریق رسانه‌های جمعی (به ویژه رسانه‌های تصویری نظیر تلویزیون) برخی از رفتارهای انحرافی را می‌آموزند.

نتایج نشان داد که بین پذیرش انحراف (برچسب) و تکرار و تداوم رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دختر رابطه معنی‌داری وجود دارد. میزان همبستگی بین این دو متغیر ۰/۴۷ بوده است و ضریب تأثیر آن در رگرسیون چندمتغیری ۰/۲۲ بوده که بعد از متغیر همنشینان بیشترین تأثیر را در بین متغیرهای مستقل این متغیر داشته است. طبق نظریه برچسب، همین که شخصی انگ کج رفتار خورد، صرفنظر از ماهیت کنش او تمایل پیدا می‌کند که خود را کج رفتار بداند و همین امر باعث ادامه کنش قبلی او (کج رفتاری) خواهد شد. ادوین لمرت کنش اول را کج رفتاری اولی و کنش دوم را کج رفتاری ثانوی می‌نامد.

- نتایج نشان داد که بین اعتقادات دینی جوانان و گرایش به رفتارهای انحرافی رابطه معنی‌داری وجود دارد. میزان همبستگی بین دو متغیر ۰/۴۵- بوده است از نظر هیرشی کسانی که اعتقاد و وفاداری کمتری نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی دارند ممکن است تمایل بیشتری به نادیده گرفتن داشته باشند و بیشتر مرتکب رفتارهای انحرافی شوند. اعتقاد افراد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات موجب احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران می‌شود و ضعف چنین اعتقادی راه را برای کج رفتاری هموار می‌کند.

- نتایج نشان داد بین تعلقات اجتماعی و گرایش به رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد. میزان همبستگی بین دو متغیر ۰/۴۱- بوده است. از نظر هیرشی داشتن تعلق خاطر نسبت به افراد و نهادها در جامعه یکی از شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می‌زند. ضعف چنین تمایلات و پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب کج رفتاری آزاد بداند.

- نتایج نشان داد بین میزان مشارکت و درگیری جوانان در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و گرایش آنها به رفتارهای انحرافی رابطه معنی‌داری وجود دارد. میزان همبستگی بین دو متغیر ۰/۳۴- بوده است. از نظر هیرشی افراد چنان خود را مشغول همنوایی می‌کنند که وقتی برای ارتکاب کج رفتاری باقی نمی‌ماند. «درگیری» در فعالیت‌های مربوط به زندگی روزمره همه وقت و انرژی خود را بخود اختصاص می‌دهد و خود موجب تقویت تعهد نیز می‌شود.

- نتایج نشان داد بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین و گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای انحرافی رابطه وجود دارد. میزان همبستگی بین دو متغیر ۰/۱۲ بوده هر چه قدرت اقتصادی خانواده بیشتر باشد، توان تهیه وسایل ارتباط جمعی مدرن (موبایل، کامپیوتر، ماهواره و ...) بیشتر می‌شود، زندگی مدرن و مشغله‌های زندگی مدرن باعث ضعیف شدن نظارت والدین برچگونگی استفاده دانش‌آموزان از این وسایل و امکانات شده و همین امر موجب افزایش رفتارهای انحرافی در دانش‌آموزان می‌شود. به عبارتی جوان امروز پای تلویزیون و کامپیوتر اجتماعی می‌شود نه در خانواده.

با توجه به چارچوب نظری این تحقیق و اعتبار متغیرهایی که در جریان تحلیل دو متغیره معنی‌دار شناخته شدند. متغیر وابسته (رفتارهای انحرافی) تحت تاثیر عوامل زیر در نظر گرفته شد:

رفتارهای انحرافی هم‌نشینان (۰/۵۰٪) برچسب (۰/۴۷٪)، اعتقادات دینی (۰/۴۵٪)، مشارکت اجتماعی (۰/۳۴٪)، تعلقات اجتماعی (۰/۴۱٪)، پایگاه اجتماعی اقتصادی والدین (۰/۱۲٪).

برای فهم بهتر روابط متغیرها از رگرسیون چند متغیره استفاده کردیم، در جریان تحلیل رگرسیون چند متغیره، متغیرهایی که در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار بوده در معادله باقی مانده و بقیه متغیرها از معادله حذف شدند. متغیرهایی که در معادله باقی ماندند عبارتند از برچسب، اعتقادات دینی، هم‌نشینان، پایگاه اقتصادی اجتماعی، مشارکت.

نتایج اجمالی معادله رگرسیون متغیر وابسته با توجه به ضریب بتا (ضریب تأثیر مستقل، ضریب همبستگی (R)، ضریب تعیین (R²) و آزمون معنی‌داری حضور هر متغیر در معادله (T) و سطح معنی‌داری به شرح زیر است:

متغیر هم‌نشینان منحرف تعیین‌کننده ترین عامل تأثیرگذار بر رفتارهای انحرافی جامعه مورد مطالعه است. این عامل ۳۲ درصد بر متغیر وابسته با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ تأثیر داشته است. برچسب با ضریب ۰/۲۲ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ بر رفتارهای انحرافی دومین عامل تأثیرگذار بوده است.

مشارکت با ۲۱ درصد و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ سومین عامل تأثیرگذار بوده است. اعتقادات دینی با ۱۹ درصد و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ چهارمین عامل بوده است. پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین با ۹ درصد و سطح معنی‌داری ۰/۰۵ پنجمین عامل تأثیرگذار بوده است. اما متغیر تعلقات اجتماعی به خاطر این که سطح خطای مقدار t آن بالاتر از ۰/۰۵ می باشد، نشان دهنده این است که متغیر مذکور بر متغیر رفتارهای انحرافی تأثیر ندارد. (تأثیر مستقیم ندارد ولی تأثیر غیرمستقیم دارد).

۱۶- بحث و نتیجه گیری

با توجه به سوال تحقیق در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که میزان رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دختر شهر بهشهر در حد کم است. در مجموع می‌توان گفت که وجود همین میزان رفتار انحرافی (با این توضیح که به نظر می‌رسد مقادیر واقعی رفتارهای انحرافی بیشتر از این باشد) می‌تواند مهم و حساس باشد. نوع رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان را می‌توان به چهار نوع تقسیم نمود نوع چهارم رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان رفتارهای انحرافی اخلاقی عادی شده جدید بود نباید فراموش کنیم که سرعت و شدت تخریب رفتارهای انحرافی جدید از سایر انواع رفتارهای انحرافی بیشتر است.

و با کمک چارچوب نظری مورد نظر تحقیق و براساس نتایج بدست آمده از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر می‌توان استدلال کرد که رفتارهای انحرافی به عنوان متغیر وابسته در این تحقیق متأثر از عوامل متعددی است که در شبکه‌ای از روابط علی با یکدیگر به سر می‌برند و کل تغییرات آن را مجموع متغیرهای علت نشان می‌دهند. عواملی چون همنشینی با نزدیکان منحرف، پذیرش انحراف (خوردن برچسب منفی)، ضعف اعتقادات دینی، نداشتن مشارکت در فعالیت‌های متعارف جامعه و پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین در رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. همانطور که قبلاً در تئوری تحقیق بیان شد، چهار عامل وجود دارد که بین فرد و جامعه پیوند ایجاد می‌کند. میزان ضعف یا قوت هر کدام در میزان گرایش به ارتکاب رفتارهای انحرافی فرد مؤثر است. نتایجی که از آزمون فرضیات تحقیق حاصل شد نشان می‌دهد که متغیرهای مشارکت و درگیری دانش‌آموزان در فعالیت‌های متعارف زندگی، تعلق خاطر به خانواده و دیگر نهادهای اجتماعی و میزان اعتقادات دینی دانش‌آموزان در گرایش آنها به رفتارهای انحرافی مؤثر است.

عامل دیگری که رابطه معنی‌داری با رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دارد، همنشینی با افراد منحرف است. نتایج تحقیق نشان داد که تضعیف پیوندهای مرسوم منجر به انکار ارزش‌های اجتماعی توسط دانش‌آموزان شده و موجب پیوستن آنها به گروه‌های همسالان کجرو می‌شود این همنشینان کجرو رفتارهای انحرافی آنها را تقویت می‌کند.

همچنین نتایج تحقیق حاکی از این است که پذیرش انحراف (خوردن برچسب منفی) نه تنها به صورت مستقیم می‌تواند باعث افزایش رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان شود بلکه می‌تواند به صورت غیرمستقیم، باعث کاهش تعلقات اجتماعی دانش‌آموزان شود. کاهش تعلقات اجتماعی میزان اعتقادات دینی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد، با کاهش اعتقادات دینی، ارتباط دانش‌آموزان با افراد منحرف بیشتر می‌شود و در نهایت رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان افزایش پیدا می‌کند.

به طور کلی نتایج تحقیق نشان می‌دهد که جامعه مورد مطالعه دچار اختلال هنجاری (آنومی اجتماعی) است. دو شکل اختلال هنجاری یعنی تضاد هنجاری (وجود دو هنجار یا دو مجموعه هنجار متضاد برای بعضی امور اجتماعی) و ضعف هنجاری (نقصان علقه اجتماعی و تعهد نسبت به هنجار در میان افراد جامعه) کاملاً در جامعه مورد مطالعه مشهود است.

منابع

۱. آگیرن، ویلیام فیلدینگ و نیم کف، مایر فرانسیس، (۱۳۵۳)، زمینه جامعه‌شناسی، مترجم امیر حسین آریانپور، انتشارات نگاه، تهران.
 ۲. آزاد ارمکی. تقی، (۱۳۷۷)، بررسی مسائل اجتماعی، نشر جهاد.
 ۳. احمدی، حبیب، (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، تهران.
 ۴. پیکا، ژ، (۱۳۷۰)، جرم‌شناسی، مترجم علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
 ۵. ریمون کیوی ولوک وان کامپنهود، (۱۳۷۵)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، مترجم عبداحسین نیک گهر، نشر توتیا.
 ۶. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، مؤسسه کیهان، تهران.
 ۷. ساعی، علی، (۱۳۸۱)، آمار در علوم اجتماعی با کاربرد نرم افزار spss/pc در پژوهش‌های اجتماعی، نشر جهاد.
 ۸. سراج زاده، سیدحسین، (۱۳۸۳)، چالش‌های دین و مدرنیته، انتشارات طرح نو، تهران.
 ۹. شفرز، برنارد، (۱۳۸۳)، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، مترجم کرامت ا... راسخ، نشر نی، تهران.
 ۱۰. کوئن، بروس، (۱۳۷۴)، درآمدی به جامعه‌شناسی، مترجم محسن ثلاثی، فرهنگ معاصر.
 ۱۱. میلر، دلبرت، (۱۳۸۰)، راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، نشر نی، تهران.
- مقاله:
۱۲. عبداللهی، محمد، (۱۳۸۱)، اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران، مجموعه مقالات انجمن جامعه‌شناسی ایران، نشر آگاه، تهران.
 ۱۳. ابراهیم‌آبادی، مهدی، (۱۳۸۸)، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بحران هویت فرهنگی در بین دانش-آموزان دبیرستانی تبریز، فصلنامه علمی-پژوهشی، دوره چهارم، شماره ۴، ص ۲۰۷.
 ۱۴. احمدی، حبیب و محمدتقی ایمان، (۱۳۸۴)، فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پیاله شیراز، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال نوزدهم، شماره ۲، ص ۹۹.
 ۱۵. بهداروند، نرگس، مرداسی نی سیاهی، حسن، (۱۳۸۹)، بررسی آسیب‌های نوپدید در نوجوانان استان خوزستان، دانشگاه تهران، تهران.
 ۱۶. جعفرزادگان، ت، زارعی، ف، (۱۳۸۰)، مطالعه توصیفی سنجش دانش، نگرش دانش‌آموزان مدارس استان قزوین نسبت به مواد مخدر، فصلنامه ژرفای تربیت، ص ۴۱-۳۵.

۱۷. رحمانی فیروزجاه، علی، (۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر نابهنجاری جوانان: مطالعه مورد مناطق حاشیه شهری ساری و بابل، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، سال سوم شماره یازدهم، ص ۲۵.
۱۸. عباسی اسفجیر، مهدوی، (۱۳۸۷)، شبکه روابط درون خانوادگی، مدرسه، دوستان و روابط دوستی در رفتارهای انحرافی نوجوانان دختر شهرساری، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی گرمسار، سال اول، شماره ۳، ص ۱۲۷.
۱۹. عبداللهی، محمد، (۱۳۸۱)، اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران، مجموعه مقالات انجمن جامعه‌شناسی ایران، نشر آگاه، تهران.
۲۰. مشکانی، زهرا و منصور رضوی، (۱۳۸۴)، بزهدکاری به عنوان آسیب اجتماعی، کتاب جامع بهداشت عمومی، جلد سوم، چاپ دوم، فصل ۱۲، گفتار ۴.
۲۱. نادری، حمدا...، (۱۳۸۹)، سنجش چند بعدی احساس انومی در بین جوانان، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی.

22. Agnew, R. (1991). The interactive effects of peer variables on delinquency. *American Journal of Criminology*, 29, 1. 47-72.
23. Boduszek & Hyland. (2011). The theoretical model of criminal social Identity . *Psycho-social perspective*, 4, 1.
24. Hirschi, T. (1969). *Causee of delinquency*. Berkeley and los Angeles: University of California Press .
25. Jerome R. & Alden E. (2012). *Body art and deviance*. American College Students.
26. Shoemaker, D.J. (1990). *Theories of delinquency*, second edition. New York: Oxford University Press.
27. Sutherland, E. & Cressey, D. (1974.) *Criminology*. Philadelphia: Lippincott.
28. Weerman & others. (2012). *Peer and delinquency among girls and boys: Are sex differences in delinquency explained by peer factors?* vol.9 no.p228.